خبر

در هشتمین نشست عصر سینما در نگارخانه رضوان عنوان شد

جهان‌بینی یک کارگردان با ساخت فیلم مشخص می‌شود

به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، هشتمین نشست از سلسله جلسات انجمن عصر سینما با حضور هادی حاجتمند، کارگردان سینما با موضوع «از میدان باغات نیشابور تا جشنواره فجر» در نگارخانه رضوان برگزار شد.

به گزارش آستان نیوز، هادی حاجتمند در این نشست با اشاره به اینکه در سینما باید به دنبال جهان انسانی شخصیت‌ها گشت، اظهار کرد: جهانی که از دل تردیدها، انتخاب‌ها، ضعف‌ها و ویژگی‌های انسانی بیرون می‌آید.

وی ادامه داد: شناخت جهان یک فیلمساز از طریق شخصیت‌های آثارش امکان‌پذیر است؛ به‌طوری‌که وقتی آثار یک فیلمساز را در کنار یکدیگر قرار می‌دهیم، به‌تدریج با جهان فکری و فلسفی او آشنا می‌شویم. شخصیت‌هایی که در آثار مختلف خلق می‌شوند، در کنار یکدیگر هویت و جهان‌بینی فیلمساز را شکل می‌دهند.

این کارگردان سینما که به موضوع دفاع مقدس و جنگ در ساخت فیلم‌های بلند سینمایی علاقه‌مند است، افزود: صرف داشتن صحنه‌های جنگی و جلوه‌های جذاب، به معنای برخورداری از نگاه سینمایی نیست. ممکن است فیلمی با امکانات مناسب و صحنه‌های اکشن جذاب ساخته شود؛ اما باوجود برخورداری از این ویژگی‌ها، جهان سینمایی منسجمی نداشته باشد.

حاجتمند تأکید کرد: همان‌طور که در ادبیات و رمان‌نویسی، شخصیت‌های خیالی می‌توانند جهانی باورپذیر و تأثیرگذار خلق کنند، در سینما نیز می‌توان شخصیتی خیالی داشت که مخاطب با او ارتباط برقرار کند.

جهانی که از نگاه یک فیلمساز از طریق ساخت اثر برای مخاطب روایت می‌شود، باید باورپذیر، جذاب، سینمایی و دراماتیک باشد؛ اما لزوماً قرار نیست تمام شخصیت‌ها و اتفاقات آن عیناً در واقعیت تاریخی وجود داشته باشند.

این کارگردان سینما با بیان اینکه گاهی اصرار بر استفاده از نام‌ها و شخصیت‌های شناخته‌شده سبب می‌شود فرصت پرداختن به چنین آدم‌هایی از دست برود، گفت: برای ساخت فیلمی، ایده‌ای درباره ساخت زندگی یک رزمنده معمولی داشتم، او انسانی معمولی محسوب می‌شود که عاشق امام(ره) است، سواد چندانی ندارد و آنچه از دستش برمی‌آید، برای دفاع از کشور انجام می‌دهد. او قهرمان قصه است، بدون اینکه حتماً نام یک شهید شناخته‌شده را بر خود داشته باشد.

حاجتمند بیان کرد: یکی از مشکلاتی که گاهی در مواجهه با سینمای دفاع مقدس وجود دارد، این است که تصور می‌شود هر فیلمی که درباره جنگ ساخته می‌شود، الزاماً باید درباره یک شهید یا شخصیت تاریخی مشخص باشد، درحالی‌که چنین الزامی وجود ندارد. علاوه بر این، سینما نباید به روایت مستقیم و بازسازی صرف رویدادهای تاریخی، محدود شود.

وی تأکید کرد: فیلمساز باید بتواند آنچه را به آن باور دارد، روایت کند، نه اینکه صرفاً برای ساخت فیلم و جلب حمایت، به سراغ موضوعاتی برود که الزاماً انتخاب شخصی او نیست؛ اما برخی از فیلمسازان دقیقاً همین کار را انجام می‌دهند، چون جهان‌بینی و قصه داستانی که فیلم آن‌ها را تشکیل می‌دهد برایشان اهمیت ندارد و فقط می‌خواهند از نظر کمّی اثر ساخته و تأیید مدیر مربوط را برای دریافت مجوز کسب کنند.

به گفته این کارگردان سینما، برخی از مدیران باوجود برخورداری از دانش و تحصیلات، نمی‌توانند سینمایی فکر کنند، زیرا ساختار ذهنی آن‌ها بیشتر مهندسی است و درکی از فضای سینما ندارند، ازاین‌رو ذهن آن‌ها با ساختار فرهنگی و هنری سینما ارتباط کافی ندارد.

حاجتمند با اشاره به اینکه ساده‌ترین مسیر برای یک فیلمساز این است موضوعی را انتخاب کند که مورد پسند دیگران باشد، بودجه بگیرد و فیلمش را بسازد، یادآور شد: اما من ترجیح می‌دهم اثری را تولید کنم که به آن باور دارم و از جهان فکری خودم می‌آید. نمی‌خواهم به هر قیمتی فیلم بسازم.

نام‌نویسی هفتمین رویداد ملی «شکوه مادری» آغاز شد

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی از آغاز نام‌نویسی هفتمین رویداد ملی «شکوه مادری» خبر داد.

به گزارش آستان نیوز، فاطمه دژبرد، مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی از آغاز نام‌نویسی هفتمین رویداد ملی «شکوه مادری» در سال ۱۴۰۵ خبر داد و اظهار کرد: این رویداد با هدف شناسایی و تکریم مادران جوان دارای سه فرزند و بیشتر برگزار می‌شود و در دوره جدید تلاش دارد ظرفیت‌های اجتماعی مادران را برای نقش‌آفرینی بیشتر در حوزه خانواده و جمعیت، هم‌افزا کند.

وی افزود: تمامی مادران زیر ۴۰ سال که بیش از سه فرزند دارند، می‌توانند در هفتمین رویداد ملی «شکوه مادری» نام‌نویسی کنند و در فرایند انتخاب و معرفی مادران برگزیده قرار بگیرند.

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی با اشاره به سابقه برگزاری این رویداد از سال ۱۳۹۹، گفت: طی ۶ دوره گذشته، «شکوه مادری» توانسته زمینه شناسایی و قدردانی از جمع زیادی از مادران چندفرزندی در سراسر کشور را فراهم کند و در هفتمین دوره نیز این مسیر با رویکردی گسترده‌تر ادامه خواهد یافت.

وی ادامه داد: نام‌نویسی هفتمین رویداد ملی «شکوه مادری» از ۱۵ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۵ انجام می‌شود و اختتامیه این رویداد، همزمان با میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) برگزار خواهد شد.

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی از علاقه‌مندان خواست برای نام‌نویسی به نشانی اینترنتی Ip۳.ir مراجعه کنند.

بازخوانی ریشه‌های کهن تاریخی و آیین‌های ماندگار مردم در ماتم دختر پیامبر(س)

۱۴ قرن روضه فاطمی؛ از خانه‌های خراسانی‌ها تا رواق‌های حرم مطهر رضوی



فاطمه هادی‌پور - ایسنا

ریحانه عامل نیک | عزاداری برای شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) جریانی تازه یا آیینی برآمده از دهه‌های اخیر نیست؛ بلکه بخشی از تاریخ زنده شیعه است که ریشه‌های مستند آن به سده‌های نخستین اسلام بازمی‌گردد. متکلمان غیرشیعه در سده‌های دوم و پنجم هجری ازجمله ضرار بن عمرو در کتاب «التحریش» و قاضی عبدالجبار معتزلی در «تثبیت دلائل النبوه» گزارش داده‌اند شیعیان در سرزمین‌های بغداد، دمشق، مصر و فلسطین برای صدیقه طاهره(س) مجالس نوحه‌وشعرخوانی برپا می‌کردند. در این میان، خراسان به‌دلیل پیوند تاریخی خود با اهل‌بیت(ع) و به‌ویژه با حضور امام رضا(ع)، به کانون شکل‌گیری آیین‌های ماندگار در سوگ مادر خاندان رسالت تبدیل شد. آیین‌های فاطمی در این منطقه جغرافیایی تنها به چند روز مشخص در تقویم یا دو دهه عزاداری محدود نبوده است؛ بلکه در طول سال، از پایان ماه صفر گرفته تا شب‌های جمادی، در زندگی روزمره، خوراک‌های نذری، پوشش و مجالس خانوادگی جریان داشته است. اقامه عزا و عرض ارادت، هم در اسناد دیوانی آستان قدس رضوی از عصر قاجار ثبت شده و هم در حافظه شفاهی مادرانی باقی مانده که نسل به نسل، سنت‌های نذر، نوحه و روضه را زنده نگه داشته‌اند. در ادامه مروری بر این موارد داریم.

عزاداری فاطمی از کی آغاز شد؟

گاهی این شبهه مطرح می‌شود که عزاداری برای شهادت حضرت زهرا(س) پیشینه‌ای ندارد و پس از انقلاب اسلامی رواج یافته است. در پاسخ به این شبهه، منابع کهن تاریخی نشان می‌دهند شیعیان قرن‌ها پیش، این مراسم را با همین مضامین برگزار می‌کردند. قاضی عبدالجبار معتزلی در کتاب «تثبیت دلائل النبوه» که در نیمه اول قرن پنجم نوشته شده، نام علمای بزرگی مانند شیخ مفید در بغداد را آورده و اشاره می‌کند پیروان اهل‌بیت(ع) در ممالک اسلامی برای شهادت حضرت فاطمه(س) و فرزندش محسن گریه می‌کردند، مداحان و شاعران را دعوت کرده و دسته‌های نوحه‌خوانی داشتند.

پیش از آن نیز در قرن دوم، ضرار بن عمرو الغطفانی که از متکلمان معتزله است، در کتاب «التحریش» به باورهای شیعیان تصریح می‌کند. حدود دو سده پس از قاضی عبدالجبار نیز ابن‌حجر عسقلانی در کتاب «لسان المیزان» روایتی از مجلس واعظی به نام ابوالحیات بلخی در مدرسه نظامیه بغداد نقل می‌کند. به گفته او، وقتی این خطیب رنج‌های وارد بر دختر پیامبر(س) را بازگو کرد، صدای گریه و ناله تمام حاضران بلند شد. این اسناد تاریخی اثبات می‌کند برپایی مراسم و مرثیه‌سرایی برای دختر پیامبر(س) در جغرافیای اسلام پیشینه‌ای دست‌کم هزارساله دارد و بخشی از باور تاریخی مسلمانان بوده است.

پیوند جغرافیای خراسان و تاریخ مشهد با محبت خاندان رسالت

سرزمین خراسان از دوره ائمه اطهار(ع) بستری برای ابراز محبت به اهل‌بیت(ع) بوده است. در تاریخ ثبت شده حرکت‌هایی مانند قیام ابومسلم نیز با تکیه بر نام آل‌محمد(ع) شکل گرفت و در کتاب‌های رجالی و روایی آمده است شیعیان خراسان راه‌های طولانی را طی می‌کردند تا در مدینه یا کوفه با امامان دیدار کنند و نامه‌ها و پرسش‌های دینی خود را برسانند.

نقطه دگرگونی این رابطه، هجرت امام رضا(ع) به مرو و خراسان بود. این رخداد، خراسان را به پایگاه شیعیان در شرق جهان اسلام تبدیل کرد. در دوره‌های بعدی نیز حکومت سربداران در سبزوار شکل گرفت که برای اداره جامعه از علمای بزرگی مثل شهید اول برنامه فقهی می‌خواست. با آغاز دوره صفویه، مرقد امام رضا(ع) در مشهد کانون زیارتی شیعیان شد و علمایی همچون شیخ حر عاملی و شیخ بهایی به این منطقه آمدند. این پیشینه سبب شد هرگونه جریان آیینی و مذهبی، به‌ویژه توجه به نام حضرت زهرا(س)، در خراسان بستری آماده برای گسترش و ماندگاری پیدا کند.

شکل‌گیری عزاداری سه دهه از کنار مضجع منور رضوی

در دوره معاصر و به‌ویژه در سال‌های حکومت پهلوی که سیاست‌های مقابله با مظاهر مذهبی اجرا می‌شد، مشهد در جایگاه یک پایگاه دینی ایفای نقش کرد. حضور مراجع در این شهر به حفظ تشکل‌های مذهبی کمک کرد. دو آیین در این دوره از مشهد پا گرفتند و سپس به سراسر کشور سرایت کردند. یکی خواندن همگانی دعای ندبه در صبح‌های جمعه و دیگری برپایی عزاداری فاطمیه در قالب سه دهه، متناسب با سه نقل تاریخی مختلف برای شهادت حضرت(س). با همراهی مراجع تقلید در قم ازجمله آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی و میرزا جواد تبریزی، توجه به ایام فاطمیه بیشتر شد و در نهایت سالروز شهادت حضرت زهرا(س) به عنوان تعطیل رسمی در تقویم کشور قرار گرفت. پس از آن، مشهد شاهد حرکت دسته‌های عزاداری در خیابان‌ها بود؛ سنتی که شبیه به روزهای تاسوعا، عاشورا و شهادت امام رضا(ع) اجرا می‌شد. مجالس روضه پرسابقه نیز مانند مجلس آیت‌الله مرتضوی که سال‌ها بر مبنای روایت ۷۵ روز برگزار می‌شد، به بخشی از هویت مذهبی مشهد در این ایام تبدیل شدند.

آیین‌های رسمی و تشریفات سوگواری در حرم مطهر امام رضا(ع)

اسناد مکتوب مرکز اسناد آستان قدس رضوی که از دوره ناصری و قاجار باقی مانده، نشان می‌دهد مراسم فاطمیه همواره با سازوکار معینی در حرم مطهر رضوی برگزار می‌شده است. براساس متنی با نام «طومار عضدالملک» اجرای برنامه‌ها زیر نظر ناظران و متولیان آستان بوده است. در این طومار، وظایف زیارت‌نامه‌خوان‌ها، خطبا، نوبت‌های کشیک خادمان و هزینه‌های خرید وسایل و پذیرایی ثبت می‌شد.

در ایام شهادت، نقاره‌زنی حرم منور متوقف می‌شد و مؤذنان فرارسیدن سوگ را اعلام می‌کردند. ایوان طلا، مناره‌ها و صحن عتیق با پرده‌های سیاه پوشانده و چراغ‌ها و شمعدان‌ها برای مراسم شبانه روشن می‌شدند. برای نمونه، در سندی به تاریخ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ قمری، صدرالممالک، متولی‌باشی حرم مطهر به خازن‌التولیه دستور می‌دهد: «امشب که لیل چهارده وفات حضرت صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها است، ایوان مبارک طلا را در کمال خوبی مفروش فرموده و چراغ حاضر نموده و برای یک ساعت از شب گذشته آماده باشد». مجالس چند ساعت ادامه داشت، روضه‌خوانان مصیبت می‌خواندند و از علما، خادمان و عموم مردم با چای، قند و قلیان پذیرایی می‌شد. دسته‌های سوگواری نیز از بخش‌های مختلف شهر با نظم مشخص وارد مسجد گوهرشاد، دارالضیافه و ایوان عباسی می‌شدند.

وقف برای فاطمه(س)؛ ماندگاری مجالس با تکیه بر اقتصاد مردمی

برگزاری این آیین‌ها وابسته به تأمین هزینه بود و نهاد وقف در خراسان، این تداوم مالی را ممکن کرد. از دوره صفویه و قاجار، موقوفات زیادی برای عزاداری ائمه(ع) ثبت شده است؛ برای مثال محمدشاه قاجار در سال ۱۲۵۴ قمری درآمد بخشی از یک مزرعه را برای مجالس مذهبی وقف کرد. اما در کنار موقوفات عمومی، وقف‌های خاصی هم مستقیماً برای حضرت زهرا(س) اختصاص یافت.

یکی از روشن‌ترین اسناد در این زمینه، وقف‌نامه سیدمحمد رئیس‌التجار در سال ۱۳۳۴ قمری است. او یک باب تیمچه تجاری در تربت‌حیدریه را وقف کرد تا درآمد حاصل از آن صرف برگزاری مجالس عزاداری، روضه‌خوانی و اطعام در ایام شهادت حضرت زهرا(س) شود. این دست اسناد نشان می‌دهد پایایی عزای فاطمی حاصل احساس مسئولیت مردم و بازاریان بوده که از مال خود برای برپایی آیین‌ها هزینه می‌کردند تا اجرای این برنامه‌ها به بودجه‌های حاکمیتی وابسته نباشد.

پخت آش ابوالدردا و دیگچه؛ مناسک نذر در آیین‌های بانوان

ارادت مردم خراسان و به‌ویژه بانوان به حضرت زهرا(س) به روزهای فاطمیه محدود نبوده و در مناسبت‌های دیگر، مثل چهارشنبه آخر ماه صفر نیز برگزار می‌شده است. ابراهیم شکورزاده بلوری در کتاب «عقاید و رسوم مردم خراسان» به رسم پخت آش «ابوالدردا» (یا ابودردا) اشاره می‌کند. در این رسم، زنی که نذری دارد هنگام طلوع آفتاب چادر سر می‌کند، کاسه‌ای به دست می‌گیرد و به درِ هفت خانه می‌رود تا مقداری حبوبات جمع کند؛ با این شرط که نام زنِ دست‌کم یکی از آن خانه‌ها باید «فاطمه» باشد. سپس آن حبوبات را می‌پزند، دو آدمک خمیری زن و مرد درست می‌کنند، داخل شکم آن‌ها را از حبوبات پر می‌کنند و هنگام پخت آش، نماز حاجت می‌خوانند و در نهایت آش را میان نیازمندان تقسیم می‌کنند. رسم دیگر، پخت «دیگچه حضرت زهرا(س)» است که در همان چهارشنبه آخر صفر آماده می‌شود. زنان هنگام پخت دیگچه شمع روشن می‌کنند و نماز می‌خوانند. پس از پخت، دیگچه را به اتاقی خلوت می‌برند و درِ ظرف را می‌بندند؛ براساس این باور سنتی، هیچ مرد یا فرد نامحرمی نباید آن را ببیند و در آن اتاق به جای برق، شمع یا چراغ روشن می‌کنند. این سنت‌ها در نگاه مردم‌شناختی نشان می‌دهد چگونه احترام به حضرت در باور زنان خراسانی با رشد معنوی، نذر طعام و پیوندهای همسایگی درآمیخته است.

آماج‌کماج و نغمه‌های «آتو» ها در روضه‌های خانگی

یکی دیگر از سنت‌های کهن زنانه در خراسان، پخت آش و نان «آماج‌کماج» است. گروهی از زنان در شب سه‌شنبه با ظرفی در دست به درِ خانه هفت زن به نام فاطمه می‌رفتند و آرد جمع می‌کردند. این آرد با روغن و زعفران خمیر شده و تا صبح فردا در اتاقی دربسته نگهداری می‌شد. صبح روز سه‌شنبه، هفت شمع روشن می‌کردند و با خمیر، نان کماج می‌پختند. بخش دیگری از خمیر را از صافی رد می‌کردند تا دانه‌های ریزی شبیه ماش بدست آید که در زبان محلی به آن «اماج» یا «آماج» می‌گویند. این دانه‌ها را تفت می‌دادند و با حبوبات، آش درست می‌کردند.

در پایان این مراسم، زنی که در خراسان قدیم به «آتو» معروف بود–یعنی زنی که کارش مرثیه‌خوانی و روضه‌خوانی در مجالس زنانه بود–روضه حضرت زهرا(س) را می‌خواند و زنان عزاداری می‌کردند. روضه‌های خانگی با همین شکل در ایام فاطمیه نیز دایر می‌شد. زن‌های همسایه چرخ‌های خیاطی را راه می‌انداختند، سربندهای سبز و سیاه می‌دوختند و نام حضرت را روی آن‌ها می‌نوشتند، دیگ‌های نذری را می‌شستند و به خانه صاحب‌مجلس می‌رفتند. کودکان در همین فضا و در کنار مادران خود، بی‌آنکه نیاز به آموزش رسمی باشد، از رفتار بزرگ‌ترها یاد می‌گرفتند که چگونه به این نام احترام بگذارند و در کار جمعی سهیم شوند.

لحن‌ها و گویش‌های بومی در نوحه‌ها و ضرورت ثبت میراث شفاهی

یکی از ویژگی‌های مهم عزاداری‌های سنتی در خراسان رضوی، تفاوت شیوه اجرا در مناطق مختلف است. در برخی روستاها و شهرهای این استان، نوحه‌ها و اشعار آیینی به گویش محلی خوانده می‌شوند. براساس تاریخ شفاهی، همین کاربرد زبان بومی سبب ارتباط حسی و عاطفی بیشتر شنوندگان با محتوای مصیبت می‌شود. این نوحه‌ها در گذشته مکتوب نبودند؛ افراد مسن آن‌ها را در مجالس می‌خواندند و جوان‌ترها از راه گوش سپردن، آن‌ها را حفظ می‌کردند و نسل به نسل پیش می‌بردند.

با گسترش شهرنشینی، تغییر الگوی زندگی و درگذشت مداحان و نوحه‌خوانان قدیمی، بخشی از این اشعار و لحن‌های بومی در معرض فراموشی قرار دارند. پژوهشگران فرهنگ عامه تأکید می‌کنند برای ماندگاری این سنت‌ها، گردآوری گفتار سالمندان، ثبت تصاویر و فیلم‌های مراسم قدیمی و ضبط نوحه‌ها و گویش‌های مذهبی مناطق گوناگون ضرورت دارد. آشنا کردن نسل جوان با معنای دقیق این آیین‌ها و بازگویی خاطرات پیشکسوتان به زبانی روشن، مانع فراموشی این میراث شفاهی می‌شود و ارتباط هویتی جامعه را با این تاریخ مشترک برقرار نگه می‌دارد.

گزارش

روایتی از تجدید میثاق مادران و همسران شهدا در حرم مطهر رضوی

از اشک‌های مادرم آموختم نام تو را



ریحانه عامل نیک | در ایام سوگواری حضرت صدیقه طاهره(س)، بارگاه ملکوتی حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) رخت عزا بر تن کرد. این آیین که هر ساله نمادی از همنوایی امام رئوف(ع) با اندوه خاندان عصمت و طهارت(ع) است، امسال نیز با شکوهی متفاوت برگزار شد. تعویض پرچم سبز گنبد مطهر با بیرق سیاه عزا، تنها یک تغییر نمادین در فضای فیزیکی حرم مطهر نبود؛ بلکه گویی قلب تپنده ایران، همراه با خادمان سیاه‌پوش آستان قدس، وارد فصل جدیدی از اندوه و حماسه شد. در این میان، حضور مادران و همسران شهدای مدافع حرم و شهدای راه حق در رواق امام خمینی(ره) بر معنویت این مراسم افزود و پیوند میان دو مفهوم «مادری» و «شهادت» را بار دیگر در اذهان متبلور کرد.

آیین سیاه‌پوشی؛ فرود پرچم سبز و طلوع اندوه فاطمی

سحرگاه روزی که شهر مشهد در غبار غم ایام فاطمیه فرورفته بود، خادمان حرم مطهر رضوی با آدابی خاص و در میان حزنی عمیق، به سمت گنبد مطهر حرکت کردند. لحظه پایین آمدن پرچم سبز که نماد حیات و امید در حریم رضوی است و برافراشته شدن بیرق سیاه، نمادی از یک تغییر عمیق درونی در جان زائران و مجاوران بود. خادمان، کتیبه‌های سیاه عزای فاطمی را با ظرافتی خاص بر دیوارههای صحن‌ها و رواق‌ها نصب کردند؛ گویی دیوارهای این حریم مقدس، خود نیز در حال همنوایی با مظلومیت بانوی دو عالم هستند.

فضای رواق امام خمینی(ره) که پیش‌تر لبریز از نور بود، اکنون با کتیبه‌های سیاه، به تکیه‌ای برای سوگواری تبدیل شده بود. در این میان، نظم دقیق خادمان و سکوت سنگین زائران، فضا را برای درک عمیق‌تری از پیام فاطمیه آماده می‌کرد. این مراسم، صرفاً یک آیین تقویمی نبود؛ بلکه تجدید عهدی بود میان محبان اهل‌بیت(ع) با بانویی که سیره و سلوک او، قطب‌نمای حرکت شیعیان در طول تاریخ بوده است. حضور مادران و همسران شهدا در این جایگاه، این معنا را به ذهن متبادر می‌کرد که اگر امروز این حریم، امن و آرام است، به برکت خون کسانی است که در مکتب حضرت زهرا(س) درس عشق و ایثار آموخته بودند.

پژواک نجواها؛ شهدایی که به عشق «مادر» پر کشیدند

در میان جمعیت عزاداران، گروهی حضور داشتند که بیش از هر کس دیگری، داغ فاطمیه را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس کرده بودند؛ مادران و همسران شهدا. آن‌ها با صبوری و متانتی که یادآور صبر حضرت زینب(س) بود، از فرزندان و همسرانشان روایت می‌کردند. یکی از مادران شهدا در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، با صدایی که لرزشی از سر ایمان داشت، بیان کرد: «به لطف و عنایت حضرت فاطمه(س) است که امروز توفیق حضور در این فضای مقدس را پیدا کرده‌ایم. ما، عزیزانمان را در راه حق تقدیم کرده‌ایم و امروز خود را وام‌دار همان مکتب فاطمی می‌دانیم». سخن او آغازگر روایتی بود از شهدایی که نه تنها در میدان نبرد، بلکه در عمق وجودشان، پیوندی ناگسستنی با ساحت حضرت زهرا(س) داشتند. در میان این سخنان، خاطره‌ای از یکی از شهدا بازگو شد که گویای عمق این پیوند بود. مادر شهید با بغضی که در گلو داشت، از آخرین فیلم به‌جامانده از فرزندش گفت: «فرزندم خیلی مادری بود. در آن فیلم، وقتی از او پرسیدیم: حسین جان، داری کجا می‌روی؟ پاسخ داد: می‌روم تا انتقام سیلی مادر را بگیرم». این جمله، تنها یک عبارت ساده نبود؛ بلکه فلسفه وجودی یک رزمنده را نشان می‌داد که دشمن و میدان نبرد را در تکرار تاریخ و مظلومیت مادری می‌دید که در کوچه‌های مدینه سیلی خورد. این شهدا، با این انگیزه، نه فقط برای دفاع از مرزهای جغرافیایی، بلکه برای دفاع از حریم غیرت و مکتب فاطمی گام در میدان نبرد گذاشته بودند.

میراث نام‌ها؛ تداوم عشق در نسل‌های آینده

اما این روایت، تنها به گذشته محدود نمی‌شد؛ بلکه در کلام همسران شهدا، آینده‌ای روشن و فاطمی ترسیم می‌شد. یکی از همسران شهدا در حالی که فرزندانش را در کنار خود داشت، با اشاره به نام‌های مبارک آنان، از استمرار این عشق و ارادت سخن گفت. او اظهار کرد: «همسرم در زمان حیات، اصرار فراوانی داشت که نام دخترانمان متبرک به نام حضرت فاطمه(س) باشد. این انتخاب، نه فقط یک نام‌گذاری ساده، بلکه یک پیمان تربیتی بود». او با اشاره به دو دختر خود افزود: «امروز، هر دو دختر ما، «فاطمه‌زهرا» و «فاطمه‌زینب» یادگاران آن شهید عزیز هستند و با همین نام‌ها، مسیر پدرشان را در شناخت سیره فاطمی ادامه می‌دهند». این جملات، پیامی روشن داشت: مکتب شهادت، مکتبی پویاست که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. نام‌های فاطمه‌زهرا و فاطمه‌زینب در خانه این شهید، نه تنها یادآور یک انتخاب احساسی، بلکه نشان‌دهنده ساختار فکری و اعتقادی خانواده‌های شهداست که حتی در نام‌گذاری فرزندانشان نیز به دنبال پیوند با آرمان‌های بلند اسلامی بوده‌اند.

در پایان این آیین، هنگامی که خادمان و خانواده‌های شهدا در کنار یکدیگر در رواق امام خمینی(ره) گرد هم آمده بودند، گویی پیامی صریح به جهانیان مخابره شد: راه شهدا، راهی است که از فاطمیه آغاز شده و تا ظهور منتقم خون این خاندان ادامه خواهد داشت. سیاهی کتیبه‌ها در رواق‌ها، سیاهی محض نبود؛ بلکه سیاهی سوگواری‌ای بود که در دل خود، نوری از حماسه و تداوم آرمان‌های فاطمی را حمل می‌کرد. این گونه بود که حرم منور رضوی، در این روز، به کانون اصلی تجدید عهد با آرمان‌های مادر سادات تبدیل شد؛ جایی که مادران و همسران شهدا، با استواری تمام، عَلَم فاطمی را همچنان افراشته نگه داشته‌اند.